



## La Nausee ( تهوع )

نبی عظیمی

### رمان بی بدیلی از ژان پل سارتر

از تولد ژان پل سارتر مردی که برای نخستین بار فلسفه اصالت وجود را به جهانیان پیشکش کرد، در ماه جون امسال 105 سال خواهد گذشت و از خاموش شدن چراغ زنده گی این فیلسوف برجسته معاصر در پانزدهم اپریل 30 سال. بلی صد سال پیش از امروز فیلسوفی به میان آمد که در اندیشه های سیاسیش موجودی به نام انسان مرکزیت مطلق داشت، برضد جنگ می جنگید و انسان ها را مسؤول تمام کار هایی می دانست که خود اندیشه می کنند، خود تصمیم می گیرند و خود انجام می دهند. بنابراین نه خدا و نه قضا و قدر در این میان هیچ نقشی نمی توانند داشت. فیلسوفی که انسان را در اندیشه و عمل اجتماعیش ناگزیر از انتخاب می دانست و مبنای آزادی انسان را از همین " اجبار " می شمرد. همو بود که می گفت اعتراض و نفی شرایط موجود در سرشت انسان نهفته است و او می تواند برای ستیزه جویی و کوبیدن نژاد پرستی و استثمار فرد از فرد و نبرد با استعمار و استبداد از این ارزش های والای انسانی عجین شده در سرشتش سود ببرد، چنان که خود سود می برد.

سارتر برای بیان این اندیشه های گهر بار فلسفی اش به دامن ادبیات آویخت و زنده گی خود را چه پیش از جنگ دوم جهانی و چه پس از جنگ دوم وقف نوشتن کرد. به طوری که اگر توالی مصنفات و تألیفات او را در نظر بگیریم، می بینیم که او رمان جالب و پر آوازه " تهوع " را در 1938 نوشته است و " دیوار " را در 1939 ( این داستان را زنده یاد صادق هدایت به زبان فارسی برگردانیده است " و پس از آن " امر تخیلی " را در 1940. همچنان نخستین نمایشنامه اش را که " ماریونا " نام داشت و سپس " مگسها " و داستان دیگرش " هستی و نیستی " را در 1943 م. بنابراین بخش زیاد تصنیف های او در زمان جنگ به نیش آمده و جامه چاپ پوشیده است. و این در حالی است که او برای نجات میهنش از یوغ فاشیزم هیتلری لباس جنگ پوشیده و پس از مدتی به اسارت قوای هیتلر افتاده ؛ ولی پس از فرار از اردوگاه اسیران به جنبش مقاومت فرانسه و در صفوف رزمندگان حزب کمونیست آن بلاد پیوسته و شمشیر زده بود. بدین ترتیب می بینیم که او نخستین فردی از زمره نویسندگان دوران جنگ و پس از جنگ است که حتا سال های جنگ نیز نمی توانند توفقی یا شگافی در تداوم نوشته ها و پخش اندیشه هایش به وجود آورند.

از آثار دیگر این نویسنده پرکار می توان از کتاب های ذیل نام گرفت :

کلمات، کار از کار گذشت، شیطان و خدا، روسپی بزرگوار، راه های آزادی، سن عقل، مرگ درجان، مرده های بی کفن، چرخنده، بازیگر و قربانی، خانواده خوشبخت، گوشه نشینان آلتونا، زنان تروا، در دفاع از روشنفکران، جنگ شکر در کوبا و بودلر که در سال 1947 نوشته شده است.

ژان پل سارتر سال های پیش از جنگ بیشتر فیلسوف بود تا سیاست پرداز. او در آن سال ها دلبسته گی چندانی به مسایل سیاسی و اجتماعی نداشت: " سیاست گریز بودم و از پذیرفتن هرگونه التزام تن می زدم. 1" ولی سارتر پس از جنگ نشریه چپ گرای " دوران مدرن" را منتشر می سازد. نشریه یی که مانند " لوموند" یکی از مشهورترین و پیر خواننده ترین نشریات در تاریخ مطبوعات فرانسه دربرگیرنده نظریه های فلسفی و سیاسی صیقل شده و او بود و اندر باب " اصالت وجود" یا آگزیستانسیالیزم بحث های داغی را به پیش می برد. گفتنی است که این مکتب فکری پس از جنگ اول جهانی در آلمان رواج یافت و سپس به فرانسه و ایتالیا ره گشود. جوهر فلسفی این مکتب رami توان اعتراضی علیه کوشش هایی دانست که افراد بشر در جنگ آن گرفتاراند. نویسنده گان این مکتب به بررسی وجود می پردازند؛ زیرا به نظر آنها وجود پیشرو ماهیت است. آنان می گویند انسان در زنده گی در میان امور پوچ و بیهوده به سر می برد و به " هیچ" دلبسته است؛ ولی آدمی بدون بسته گی به جایی با خود و محیطش می تواند خویشتن را بسازد.

در همین نشریه و مقاله های ارزشمند دیگرش بود که سارتر به سال های سرکوب آزادی ها و ناامیدی ویاس و یکتاتوری و خفقان حاکم در شوروی سابق مطلب نوشت و بالای رژیم حمله کرد. او تجاوز اتحاد شوروی سابق را به مجارستان در سال 1956 و اشغال چکوسلواکیا را در سال 1968 به باد انتقاد گرفت. درست مانند آندره ژید خالق رمان زیبای " مایه های زمینی" که کمونیست خرد گرای بود و زمانی هم یکی از ستایشگران و هوخواهان رژیم کمونیستی اتحاد شوروی. ولی پس از دیدار دوم خود از شوروی در سال 1936 تغییر عقیده داد و کتاب " بازگشت" را نوشت و در آن درباره فشار و اختناق و محدودیت های آزادی بیان و اندیشه و آزادی های فردی و اجتماعی غیر قابل تحمل آن دوران سخن گفت. یا مانند آرتور کستلر که کمونیست بنامی بود ولی در تقییح عملکرد رهبران آن دوران شوروی به ویژه ژوزف استالین " رویای هفت ساله" را نوشت و یا لویی فیشر که او نیز کمونیست بود و طرفدار پروپاقرص شوروی ولی سرانجام خود را مکلف دانست تا " تزار های سرخ" را بنویسد و اختناق مسلط بر هوا و فضای جامعه روس را به باد بیرحمانه ترین انتقاد ها قرار دهد. لازم به یاد آوری است که سارتر مانند تمام آزادی خواهان جهان از آزادی بیان در همه جا دفاع می کرد و در پشتیبانی و حمایت از انتشار روزنامه های چپ گرای افراطی فعال بود.

و اما سارتر نه تنها یک فیلسوف و اندیشمند بزرگ و آزادی خواه پرآوازه یی بود، بل منتقد ادبی و نویسنده بلند مرتبتی نیز بود. آقای علی نجفی یکی از پژوهشگران برجسته معاصر ایران درباره جایگاه ادبی سارتر در جهان می نویسد: " سارتر نه تنها در آفرینش ادبی، بل در نقد ادبی نیز مقام بالایی داشت. .. نوشته های او درباره شاعرانی مانند بودلر و مالارمه، گوستاو فلوبر و ژان ژنه از بهترین نمونه های تک نگاری های ادبی قرن بیستم به شمار می روند. 2"

\*\*\*

درباره رمان تهوع که سارتر را به اوج شهرت رسانید، باید گفت رمانی است بسیار جالب و زیبا که توسط آقای امیر جلال الدین اعلم از فرانسه یی به فارسی در 309 برگ برگردانیده شده و از طرف انتشارات نیلوفر به زیور چاپ آراسته شده است. نسخه یی که در دسترس من قرار دارد چاپ ششم این اثر بی بدیل و جذاب است که در سال 1381 جامعه چاپ پوشیده است.

تهوع رمانی است که ساختار زیاد پیچیده یی ندارد. نثر آن ساده و بدون تکلف است و کدام ابهام و دشواری در فهم جملات و پرداخت های فلسفی آن به نظر نمی خورد. شخصیت اصلی یا راوی رمان آنتونی روکانتین که در واقع خود سارتر است، رویداد ها را به شیوه ء تک گویی " مکبث" شکسپیر بازگو می کند. رمان با دریافت آنتونی رو کانتین از این معنا آغاز می شود که رابطه او و اشیای دنیای پیرامونش رابطه یی است پریشان کننده. رابطه یی که انجامش کشف راه حل ممکن در قلمرو امر تخیلی می تواند بود؛ زیرا آن قلمرو از تن جهان مادی مستقل است. سارتر در این مورد چنین می گوید:

" درسی ساله گی مؤفق شدم که در تهوع - باور کنید خیلی صادقانه - وجود ناگوار همون عانم رابنویسم و وجود خود را تبرئه کنم. من روکانتین بودم. در شخص او بدون خود پسندی تار و پود وجود خود را نشان می دادم. در عین زمان خودم بودم، آدم برگزیده ، وقایع نگار دوزخها، فتو میکروسکوپ شیشه یی و فولادی که روی شیرهای پروتو پلاسمی خودم خم شده بودم. 3 "

رمان به گمان غالب در سال 1932 نوشته شده است. یعنی هنگامی که روکانتین از سفر به اروپای مرکزی و آفریقا و خاور دور باز گشته و سه سال می شود که در شهر " بوویل " به سر می برد تا تحقیقات تاریخی را درباره مارکی دولیون به انجام برساند. در همین شهر است که او توصیف صحنه های خیابان "تورن برید" را در صبح یکی از یکشنبه ها ، دیدار از نگارستان ، دیدن دوباره " آنی " محبوب پیشین اش ( اما شاید این زن همان سیمین دوبوار نویسنده فمینیست فرانسه یی نباشد ؛ زیرا که سارتر هرگز او را از دست نداد و تا پایان عمرش با او رابطه باز و آزاد داشت ، بدون آن که باوی ازدواج کرده باشد.) و از دست دادن دوباره او را ، یا رسوایی " دانش اندوز " را یا رنجی را که لوسی خدمتگار که به خاطر تباهی شوهر جوانش تحمل می کند و رویداد های جالب و جذاب دیگر سفرش را به تصویر می کشد و از این همه شخصیت ها و رویداد ها و زمان ها ، چنان هوا و فضای داستانی می آفریند که هم جذاب است و هم هیجان برانگیز. ولی اگر خوب و به دقت به این رمان نگاه شود پی می بریم که او از رویدادهای بسیار ساده روز مراه برای آفرینش این داستان سود جسته است و با هنرمندی تمامانديشه ها و احساسات خود و آدم های رمانش را نقاشی کرده است.

به گفته آقای میر جلال الدین اعلم برگرداننده فرزانه این رمان، آنتونی روکانتین قهرمان رمان تهوع که تک و تنها در شهر بوویل زنده گی می کند ، دلمشغولی اساسی دیگری جز " وجود " ندارد :

" وجودی که به آن می اندیشد وجود در ساحت متافزیکیش اش نیست بل وجود در ساحت این جهانی و جلوه گر در موقعیت های اجتماعی فرد آدمی و روابط وی با افراد دیگر جامعه است. دو چیز روکانتین را می آزارد: یکی آن که پیرامون او را جماعتی " رجاله " با احساسات دروغین و اندیشه های کلیشه یی فرا گرفته اند که برخورد با این وجود ناعقلانی در انبوه جزئیات مبتذلش گونه یی دل آشوبه و " تهوع " را در روکانتین پدید می آورد. روکانتین به تجربه پی برده است که موسیقی حالت تهوع را می زدايد و احساس بسط و خوشی به او می دهد. در فرجام پس از سیر و سلوک دردناک ، درمی یابد که برای رهیدن از چنبره هستی مهمل و نا موجهش باید ارزش هایی برای خودش بیافریند و برخورد وجودی ویژه یی اختیار کند. بنابراین به ادبیات دل می نهد و در این عرصه ، رمان نویسی را به وجه خاص برمی گزیند. به این سان امیدوار است که معنایی ارزشمند به زنده گی بی معنای پیشینش بدهد. 4 "

در رمان تهوع که یکی از پرارجترین نوشته های ادبی دوران ماست ، درونمایه های فلسفی سارتر به طور روشنی باز تاب یافته است. مسائلی مانند " هستی " ، " نیستی " ، " پوچی " ، " شی واقعی " ، " شی نا واقعی " ، " جهان تخیلی " ،

" شی تخیلی " ، " حضور " و " جود " یعنی چیز هایی که به ادراک ما در می آیند ، تار و پود گفتگو ها ، توصیف ها و روایت های رمان وی را تشکیل می دهند. که برای درک آن ضرور است تا این رمان را دست کم دوسه بار با دقت مطالعه کرد، هر چند که زبان رمان ساده و معمولی و حوادث داستان نیز زیاد پیچیده نیست .

درفرجام یکی دو نمونه یی می آورم از متن رمان برای خواننده یی که تا هنوز به این رمان دسترسی نداشته است :

(پوچی) اکنون زیر قلمم زاده می شود: کمی پیش در باغ نیافتنش ؛ ولی دنبالش هم نمی گشتم. نیازی به آن Absurdite

نداشتم: من بدون کلمات می اندیشم ، درباره چیزها با چیزها. پوچی نه تصویری در سرم بود نه آوای یک صدا، بلکه آن مار مرده یی در زیر پایم بود. آن مار چوبی یا چنگال یا ریشه یا پنجهء کرکس . اهمیتی ندارد وبی آن که چیزی را به وضوح تقریر کنم ، می فهمیدم که کلید وجود ، کلید تهوع هایم ، کلیه زنده گی خودم رایافته ام . براستی همه آن چه توانستم بعداً دریابم، به این پوچی بنیادی تحویل می یابد. پوچی : باز هم کلمه دیگر. من با کلمات می جنگم. آنجا چیزی را لمس کردم ؛ اما این جا می خواهم خصلت مطلق این پوچی را تعیین کنم. یک حرکت، یک رویداد توی دنیای کوچک رنگین انسان ها هرگز به وجه نسبی پوچ نیست : در نسبت با اوضاع

واحوالی که ملازم آن اند. مثلاً سخنان یک دیوانه درنسبت با موقعیتی که در آن است پوچ است ولی نه درنسبت با دیوانه گیش."

"... وبعد بیکهو ، چیزی شروع به جنبیدن در برابر چشمهایم کرد. حرکت های خفیف و نامعین : باد داشت نوک درختان را تکان می داد. بدم نمی آمد که ببینم چه چیزی جُم می خورد، بعد از همهء آن وجود های بی جنبشی که مانند چشم های خیره مرا نگاه می کرد، تنوعی بود. همان طور که تاب خوردن شاخه ها را دنبال می کردم ، به خود گفتم : حرکات هرگز کاملاً وجود ندارند. آن ها گذارهایی اند ، میانگینم هایی بین دو وجود. زمان هایی ضعیف خود را آماده کردم که ببینم از نیستی بیرون می آیند، به تدریج رسیده می شوند و می شگوفند. سرانجام می رفتم که وجود ها را در جریان زاده شدن غافلگیر کنم. 5"

رویکرد ها :

- 1- صفحه 6 تهوع . چاپ ششم. ترجمه فارسی امیر جلال الدین اعظم
- 2-سارتر بر فراز معبد روشنفکری. نوشته علی امینی نجفی درسایت بی بی سی. می -
- 3- تهوع . چاپ ششم. تبصرهء مترجم کتاب
- 4- تهوع. ص 241-242
- 5- همان کتاب. ص 246